



پریسا جمشیدی

کارشناس ارشد آموزش زبان فرانسه از دانشگاه تربیت مدرس

دنیا بس عجیب است و شگرف و زیباییهای خاصی را به تصویر کشانده است
تصاویری الوان و رنگارنگ و بس کامل .

برخی از این زیباییها که بدون شک یاد آور خدای متعال هستند بعضی از اوقات معجزه
می نمایند یکی از این معجزات عالم گیر که قرنهاست ذهن بشر را به خود معطوف کرده
قرآن مجید است .

از همان ابتدای گشایش این معجزه بصری و کتبی حروفی به ظاهر کوچک ولی بس
پر معنا، با شکوه و عظیم جلب توجه می نمایند . الم . ذلک الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین
(بقره، ۲/۱-۲)

سالهاست که اسرار قرآن کریم کماکان نا شناخته باقی مانده اند و از آن جمله هم
(الم) و این حروف مقطعه هستند .

همگان اعتقاد بر آن دارند که این حروف رمز بین خدا و رسول اکرم می باشند و در این
باب سؤالات زیادی مطرح شده اند . ما نیز در این مقاله سعی بر آن داشتیم تا به چند سؤال
اساسی جواب دهیم که در ذیل از نظرتان خواهد گذشت . قابل ذکر است که در این مقاله

سعی مان را بر روی «الم» در سوره بقره متمرکز کرده ایم. در یک نگاه کلی اولین سؤالی که ذهن را به خود مشغول می کند شأن نزول این حروف است به عنوان مثال:

۱. «الم» در سوره بقره به چه معناست؟ آیا این حروف به ظاهر کوچک معانی خاصی را جلوه می دهند یا خیراگر چنین است معانی آنها چیست؟ برای پی بردن به این سؤال دانشمندان زیادی به تکاپو پرداختند حتی ائمه (ع) نیز نظریه هایی بس گران قیمت و مجملی را ابراز داشتند از آن جمله امیرالمؤمنین علی (ع) می فرمایند:

الم...و...کهیعض...والر...حروف گشایش سوره هاست....^۱

مبنای کار ما در این مقاله بر این گفته امام (ع) است. و پرسش های دیگری نیز مطرح می شود.

۲. «الم» در سوره بقره به چه مضامینی اشارت دارد؟

۳. بعد از این حروف آسمانی از عبارات «ذَلِكِ الْكِتَابِ، هَذَا الْكِتَابِ» استفاده شده است، به چه علت بعد از این حروف مقطعه عنوان «الکتاب» آمده است؟

۴. با یک نگاه اجمالی بر روی «لام و میم» علامت مد را می توان به وضوح دید (الم) و این در حالی است که «الف» فاقد آن است. این رویداد به چه علت است؟

۵. در نگرشی کلی بر روی بعضی آیات به این نکته پی می بریم که از آیه ای به آیه بعد پروردگار از مسائلی متفاوت سخن می گوید آیا می توان این فرضیه را مطرح کرد که بین مضامین آیات و شماره آنها ارتباطی فوق العاده و نهفته وجود دارد؟

باری برای پی بردن به این سؤالات و پرسش های بی شمار دیگری در این مقاله از علوم قرآنی و حدیث، زبانشناسی باستانی (عبری باستانی، خط هیروگلیف مصری)، اسطوره شناسی و حروف ابجد استفاده کرده ایم.

و در این زمینه از کتب مقدس (اوستا، تورات، انجیل و قرآن کریم)، مراجعی همچون تفسیرالمیزان، تفسیرنمونه و تاریخ خطهای جهان سود بردیم.

ماهیت حروف مقطعه چیست؟

حروف مقطعه از همین حروف الفبائی تشکیل می شود که به ویژه ملل مسلمان از آن استفاده می کنند. چنانچه علامه طباطبائی می فرمایند:

این حروف از قبیل شمردن حروف الفباست می خواهد بفهمد که این قرآنی که تمام شما مردم عرب را از آوردن مثلش عاجز کرده از جنس همین حروف است که مدام با آن گفتگو و محاوره می کنید و در خطبه ها و کلمات خود را به کار می بندید. ۲

تعداد آنها ۷۱ می باشد که در آغاز ۲۹ سوره از سوره های قرآن آمده است. گاهی کاملاً منقطع می باشند مثل ق، ن، ص و گاهی منفصل مثل الم، طه و غیره، که در اوائل چند سوره از سوره های قرآنی آمده و این مختصات قرآن کریم است و در هیچ کتاب آسمانی دیگر دیده نمی شود. و مفسرین- قدما و متأخرین- در تفسیر آنها اختلاف کرده اند. ۳ از آن جمله می گویند: «هر یک از این حروف مقطعه نام سوره ای است که در آغازش قرار دارد». ۴ و یا «این حروف اسمائی هستند برای مجموع قرآن» ۵ و البته نظریه های دیگری نیز مطرح شده اند و آن اینست که «این حروف بر اسماء خدای تعالی دلالت می کنند. پس معنای «الم» «أَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ» می باشد». ۶

نظریه های دیگر و بسیار مهم را در زیر به طور اجمال بیان می داریم چرا که از بسیاری از آنها برای اثبات گفتارمان سود جسته ایم.

۱. از متشابهات هستند (از امور مکتوم (پنهان)).
۲. هر حرف رمز برای معنائی است.
۳. حروف اسم اعظم است. ۷
۴. اشاره به بقای امتها و اقوام دارد. بر اساس حروف ابجد و عقیده به تأثیر حروف. ۸
۵. برای جلب توجه آمده اند. ۹
۶. به سکوت واداشتن کفار که به هنگام قرائت قرآن سروصدا و آشوب راه می انداختند. ۱۰
۷. اسامی قرآن. ۱۱
۸. اسامی سوره های قرآن. ۱۲
۹. برای اعلام پایان یک سوره و شروع سوره بعد. ۱۳
۱۰. سوگند است. سوره هایی که خدا به آنها سوگند یاد نموده. ۱۴
۱۱. فراوانی این حروف در سوره. ۱۵

۱۲. هر حرف دارای معانی زیادی است . ۱۶

۱۳. فواتح است . ۱۷

۱۴. انصار یا ابتدای نام کسانی است که این سوره‌ها را بعد از وحی و انتقال آن از

طریق حضرت محمد (ص) می‌نگاشتند . ۱۸

۱۵. این حروف در ۲۴ سوره از سوره‌هایی که حروف مقطعه دارند پس از آن از قرآن

صحبت نموده . ۱۹

۱۶. رموزی هستند بین خدای متعال و پیامبرش . ۲۰

۱۷. اعجاز قرآن هستند . (قرآن با این همه معارف بالا از همین حروف ساده تشکیل

شده است). این حروف سوگندهایی است که خدای تعالی خورده مثل اینکه خداوند به

این حروف سوگند می‌خورده بر اینکه قرآن کلام اوست و اصولاً حروف الفباء دارای شرافتی

هستند چون با همین حروف است که کتب آسمانی و اسماء حسناى خدای و صفات

علیای او و ریشه لغات امتهای مختلف درست می‌شود»^{۲۱} به طبع می‌توان گفت که این

حروف از حروف امتهای پیشین خود نیز ساخته شده اند . چنانچه زبان عربی از زبان عبری

منشاء می‌گیرد .

حال جای آن دارد که کمی از دیدگاه زبانشناسی به حروف مقطعه نظری بیاندازیم :

ریشه زبان عربی که حروف مقطعه از الفبای آن منشأ می‌گیرد چیست؟

زبان و خط عربی از عبری باستان نشأت گرفته و و خط عبری نیز همانند دیگر زبانها

از جمله زبان عربی دارای الفبائی است و هر کدام از حروف الفباء در زبان عبری دارای

معنایی است .

گفته شد که در این مقاله بحث روی حروف [(الم)(الف ، لام ، میم)] در سوره بقره

می‌باشد و اما زبان عبری خود منشأ و مأخذی دارد که همانا به ترتیب زبان آرامی و قبل از

آن زبان فنیقی می‌باشد، حتی در این عرصه خط هیروگلیف مصری هم از زبانهای سامی

منشأ می‌گیرد . تنها این زبانها نیستند که ریشه باستانی دارند و در انتها به زبان و خط فنیقی

منتهی می‌شوند بلکه حروف ابجد و ارزش عددی آنها نیز به طبع از این زبان می‌آید .

اما آن چنان که استفاده از معنای این حروف برطبق زبانهای باستانی و حروف ابجد و

ارزش عددی آنها در قرآن کریم یافت می‌شوند، تا اینجای مطالعات ما در سایر کتب

مقدس همانند (اوستا، انجیل، تورات) یافت نشد، ولی قابل ذکر است که مطالب آورده شده در آنها، در بسط و گسترش تحقیق ما بسیار به ما کمک کردند. ولیکن برآستی این حروف مقطعه آن چنان که علامه طبرسی در مجمع البیان فرموده اند که « هر حرف دارای معانی زیادی است » چه معانی را در خود گنجانده است؟

الم به چه معناست؟

این حروف ابتدا از دیدگاه زبان و خط فنیقی و بعد آرامی و بالاخره عبری و خط هیروگلف مصری بررسی می شوند.

الف و یا به عبارتی (alef) به معنای گاو نر و یا گاو می باشد. و در خط هیروگلیف مصری هم به این معناست. ۲۲

و لام که به تلفظ عبری (لَمِد) می باشد. به معنای آموختن، آموزاندن و یاد گرفتن است. ۲۳ و با همین تلفظ بر طبق خط هیروگلیف مصری به معنای افق است. ۲۴

و بالاخره میم: میم که به تلفظ عبری و خط هیروگلیف مصری (mem) می باشد به معنای آب است. ۲۵

ولی این کلمات چه ربطی به هم دارند؟! برای جواب به این سؤال، جداگانه به بحث در مورد این موارد می پردازیم:

الف یا alef

گفته شد که الف و به تلفظ عبری (alef) به معنای گاو نر و یا گاو می باشد. ۲۶ نکته ای بسیار جالب وجود دارد و آن اینست که عبریان قبل از عزیمت خود به کنعان (زادگاه حضرت موسی کلیم الله) به زبان و خط مصری، ادیان و گویش آنها دلبستگی داشتند چنانچه در طی مدت حضور پیامبرشان در طور سینا مرتکب خطا شده و به پرستش (آپیس) (گاونر) دوباره مشغول شدند. آپیس در اساطیر مصری برابر با مرگ و رستاخیز است. «آپیس یا آپیس نزد مصریان حابی، یکی از خدایان نیل و یکی دیگر از خدایان باروری و حاصلخیزی است. در دوره های بعد آپیس تجسم پسر اوزیریس و او را جان اوزیریس می دانستند و زندگی بخش و پدید آورنده نیروی دماغی شهریاران بود. اوزیریس در واقع از دوران پیش دودمانی با گاونر پیوند داشت. و از همین زمان بود که نرگاو جهان زیرین تا

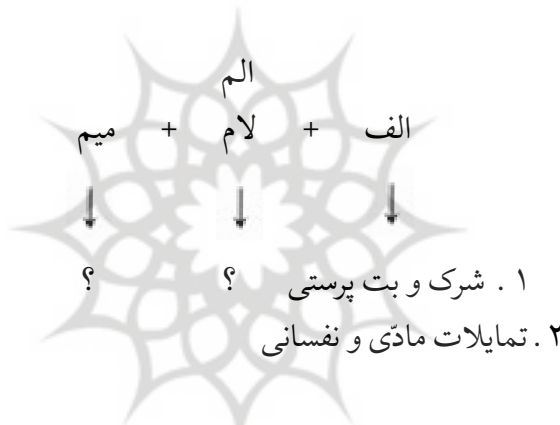
نرگاو آمونت نیز کاربرد داشت. آپیس و اوزیریس بعدها با تثلیث آفرینش، مرگ و رستاخیز پیوند یافتند. مرگ هر نرگاو و آپیس موجب صعود او به آسمان و یگانگی روح او با اوزیریس می شد.^{۲۷} اوزیریس خدای خدایان مصر بوده است. پس بی چیزی نبود که عبریان باستان و پیمان شکن آپیس (گاونر) را می پرستیدند که توسط حضرت موسی (ع) مورد نکوهش قرار گرفتند. آنها می بایست از خطاهای خود دست می کشیدند و از پیامبرشان می آموختند تا به یگانگی و وحدانیت پروردگارشان می رسیدند. و اما گفته شد که (alef) نه تنها به معنای گاونر بلکه در کل به معنای گاو می باشد و سوره بقره به معنای گاو ماده است. حال نگاهی به معنا و مفهوم گاو ماده بر طبق اصول و سنتهای مصریان بیاندازیم.

بر طبق اسطوره‌های مصر. Athyr آتیر یا (Hathor) زن- خدای آسمان است وی دختر رع (خدای خدایان مصر) و هوروس بوده است و نیز گاو بزرگ آسمان نامیده می شد و تجسم او ماده گاو است. آتیر حامی زنان بود و آفرودیت یونانی، سمبل و لذت محسوب می شود.^{۲۸}

از تمام این موارد به این نتیجه می رسیم که گاو ماده نماد لذات دنیوی و مادی است ولی ما گاو را تنها در نمادها و اساطیر مصری جستجو نکردیم. به عنوان مثال کتاب مقدس اوستا گاو را سمبل و نماد دنیا و بلکه انسان معرفی کرده اند. «در تاریخی نزدیک به چهار هزار سال پیش در زیر آسمان نیلگون سرزمینی که سپس ایران خوانده شد رویداد شگفتی روی داد. این رویداد بزرگ چه بود؟ گاوی می گرد. آیا براستی این گاوی از گاوها بود که در چند هزار سال پیش در سرزمین ما غریدن گرفت. این گاو نبود که از گزند و زخمی که بدو رسیده بود غرید، بلکه این انسان بود که خروشید». ^{۲۹} «در یسنا بند سوم از «گئوش تشن» و «گئوش اوروان» یاد می شود که «گئوش» به معنای جهان است. ^{۳۰} بنابراین گاو در نزد پیشینیان ما نشانگر و نماد انسان و جهان بوده پس بی چیزی نبوده هنگامی که حضرت ابراهیم (ع) می خواستند اولاد عزیزشان را سر ببرند بدستور ایزد منان، خداوند بر ایشان مرحمت می فرماید و قوچی را بر آنها می فرستند. قابل ذکر است که گاو به هر موجود علف خواری تلقی می شده است. جناب دهخدا در این باب می فرماید: «گاو در ایران باستان یشت نهم موسوم است به دروسپا و آنرا در اوستا و در فارسی گوش گویند. برای رفع اشتباه باید بگوئیم که گوش به معنی آلت شنوائی در اوستا گئوش می باشد. گئوش و یا

گئو به معنی گاو و (گاوش) فرشته‌حافظ چهار پایان که از آن مشتق شده است، به گوش آلت شنوائی مربوط نیست. مراد از گوش اوروان نخستین جانور مفید می‌باشد و کلمه گاو در اوستا بعلاوه به معنی معمولی که امروز در فارسی از آن اراده می‌شود دارای یک معنی منبسطی است و به همه چهار پایان اطلاق می‌گردد.^{۳۱}

بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که alef و یا همان الف در (الم) به معنای (آپس) گاونرو یا بقره (گاو ماده) که نام سوره فوق می‌باشد، و مراد از بکار بردن آن همانا نشان دادن تمایلات مادی و نفسانی است، چنانچه گاو به معنی کلی آن طبق آورده‌های اوستا به جهان و انسان اشارت دارد و گاونر بر طبق اساطیر کهن مصری به شرک و بت پرستی.



قرآن برای راهنمایی بشر و دادن پند و اندرزهای انسان سازی آمده است نه تنها قرآن بلکه اوستا، انجیل، تورات نیز به این گونه هستند. انسان باید این کتب آسمانی را سرمشق قرار دهد به خصوص قرآن کریم، تا به نور و روشنائی برسد. ولی لام و میم در عبارت (الم) همچنان در هاله ای از ابهام هستند! معنای آنها چیست؟

(lameth) و یا لام به چه معناست؟

آنچنان که گفته شد lameth به عبری به معنای آموزاندن، آموختن و یاد گرفتن است و بر طبق خط هیروگلیف مصری به معنای افق و شیرماده^{۳۲} است. تنها راه توبه و کنار گذاشتن خطاها آموختن و یادگیری خوبیهاست. برای رسیدن به توحید و فرمایشات الهی

بایست آموخت و عبرت گرفت. یکی از راههای عالی و عملی که ما را در حفظ ایمان و ثبات در انسانیت و وحدانیت و یگانه پرستی حفظ می کند همان نماز است. خواندن نماز با وحدتی از مسلمین رو به قبله ای یگانه. لام و یا همان lameth به معنای افق نیز می باشد.

افق: به معنای روی راه، ج، آفاق. (منتهی الارب)؛ (ناظم الاطباء) می باشد. و کلمه قبله نیز تا حدودی به این معناست. «قبله: جهتی است که روی بدان آورند در نماز (منتهی الارب) کعبه شریف (منتهی الارب) هر مکان مقدسی که در هنگام پرستش یزدان روی آورند^{۳۳} در پس این دو مطلب به این نکته می توان دست یازید که مراد از افق همان قبله است. در آیه ۱۴۲ از همین سوره که از لحاظ محتوا با (الم) هماهنگی فوق العاده ای دارد پروردگار می فرماید: سيقول السفهاء من الناس ما ولهم عن قبلتهم التي كانوا عليها قل لله المشرق والمغرب يهدي من يشأ الى صراط مستقيم؛ مردم سفیه بی خرد خواهند گفت چه موجب آن شد که مسلمین از قبله ای که بر آن بودند (بیت المقدس) روی به کعبه آورند، بگو ای پیغمبر مشرق و مغرب خدایراست و هر که را خواهد او به راه راست هدایت کند.

در تفسیر این آیه علامه طباطبائی فرموده اند:

قل لله المشرق والمغرب، در این آیه از میانه چهار گونه، تنها مشرق و مغرب اکتفا شده، بدین سبب که در هر افقی سایر جهات بوسیله این دو جهت معین می شود. هم اصلیش و هم فرعیش، مانند شمال و جنوب، شمال غربی و شرقی، جنوب شرقی و غربی. مشرق و مغرب دو جهت است که در هر نقطه با طلوع و غروب آفتاب و یا ستاره مشخص می شود و به همین جهت هر نقطه زمین که فرض کنی برای خود مشرق و مغرب دارد، که دیدنی و محسوس نیست و شاید به خاطر همین نکته بوده که دو جهت مشرق و مغرب را بجای همه جهات بکار برده. ۳۴.

بنابراین می توان به این نتیجه رسید که افق می تواند همان قبله باشد. قبله ای که از بهر نماز و قربت به آن کمال حق است. در طول روز برای آنکه دقایقی از کژیها و ناراستیها و تمایلات نفسانی دور بمانیم نماز می خوانیم. برای دوری از بقره و آپیس، خطاهای فکری

و روحانی، کژیها و ناراستیها رو بسوی قبله می آوریم.

میم یا مم (mem) به چه معناست؟

«میم» در زبان عبری باستان و خط هیروگلیف مصری با تلفظ (mem) به معنای آب است.^{۳۵} حتی (میاً) در زبان آشوری که یکی از شاخه‌های زبان آرامی و (مییم) به عبری عصر حاضر ۲۹ و ماء در عربی به معنی آب هستند. جای یاد آوری دارد که مییم در نگارش بسیار شبیه به میم ما می باشد و آب در هر سه زبان با حرف میم (م) شروع می شود.

آب این عنصر پاکی و طهارت، نور و روشنایی در اسطوره‌های مشرق زمین یاد آور آنهیتا می باشد. آنهیتا اله آبها بوده. آب نماد زاینده‌گی و خلقت، آفرینش، ایمان است و نجابت. قبل از ظهور پیامبر باستانی ایران زمین آشور زرتشت (که با آمدن دین مبین و کامل اسلام جلوه خود را از دست داد) بر طبق آئین مهر، اله میترا در ایران نفوذ زیادی داشته است ولی بعدها جای خود را به اله آنهیتا و یا همان ناهید داده است. «اردیسور آنهیتا الهه و مظهر آبهاست که پیوسته در نزد ایرانیان مقدس بوده است... او زنی نیرومند، سپید، زیبا و خوش اندام است. او در میان ستارگان بسر می برد و گردونه او را چهار اسب نر می برند که باد و باران و ابر و تگرگند. او منبع همه باروری هاست، نطفه همه نران را پاک می گرداند، رحم همه مادگان را تطهیر می کند و شیر در پستان مادران پاک می سازد.»^{۳۶} «آنهیتا در عین حال هم ایزد بانوی رام و آرام باروری است و هم در اندازه ای کین جوی جنگ و هم زندگی بخش است و هم زندگی ستان».^{۳۷} «به احتمال زیاد «اردیسور آنهیتا» نیز چون میترا از یزدانی بود که پیش از ظهور زرتشت بعدها این ایزد در میان ایرانیان چنان به فراموشی سپرده شد که دست کم در داخل ایران از معابد مهری سراخی نمی بینیم».^{۳۸}

و اما در کتاب مقدس تورات نیز از این اله آبها از جانب پروردگارمان گفتاری داریم. این اله آبها یاد آور زاینده‌گی و خلقت است. «در اسطوره‌های کنعان بیشتر خدایانی که با آفرینش پیوستگی دارند یاد آور آب می باشند. ال (El) پدر خدایان در سر چشمه همه رودها جاری است. در اسطوره‌های آفرینش کنعانی آب آفریده خدایان بود. در تورات نیز آب پیش نیاز آفریده هاست که مانند اسطوره‌های هندی و بین النهرین بنیاد همه چیز بر آن است. پدید آمدن آب - بانوانی مانند اردیسور آنهیتا پی آمد و همانند سازی اسطوره‌های

آفرینش می‌باشند؛ زیرا برجسته‌ترین صفات خود را از این اسطوره‌ها گرفته‌اند، مانند نقش آب در زاینده‌گی که در پی آفریدن است و در زنانگی که یاد آور زاینده‌گی است.^{۳۹} گفته شد که آن‌ها در میان ستارگان بسر می‌برد و گردونه او را چهار اسب نر حمل می‌کنند که باد و باران، ابر و تگرگند. و قرار گرفتن این چهار عنصر در کنار هم رعد و برق را می‌سازند. در قرآن مجید آیات ۱۲-۱۳ سوره رعد خداوند می‌فرماید: هو الّذی یریکم البرق خوفاً وطمئناً ینشیء السحاب الثّقَالَ. ویسبّح الرّعد بحمده و الملائکة من خیفته و یرسل الصّواعق فیصیب بها من یشاء وهم یجادلون فی الله و هو شدید المحال؛ اوست که برای بیم از قهر و امید به رحمت خود برق را به شما می‌نماید و ابرهای سنگین را هر جانب بر می‌انگیزد. رعد و جمیع فرشتگان همه از بیم قهر خدا به تسبیح و ستایش او مشغولند و صاعقه‌ها را بر سر هر قومی بخواهد می‌فرستد، باز هم کافران در قدرت خدای سخت انتقام جدل می‌کنند.

تمام صفات اله‌آبها که در حرف (میم) نهفته است در خدای تبارک و تعالی یافت می‌شود ولی بسیار عظیم‌تر و برجسته‌تر. پس آب و میم می‌تواند نماد پروردگار باشد. آب نماد آفرینش است و زاینده‌گی در خلقت، آب در عین بخشندگی و مهربانی و پاکی و مرحمت بسیار کینه جوی و جنگ ستیز است. در زبانهای فرانسه و ایتالیایی نماد کلمه آب مؤنث است.^{۴۰} شاید که آن نیز از این اساطیر ریشه گرفته و همانطور که گفته شد (alef) آلف اشاره به گاو (آپس) و یا هر موجود علف خوار دیگری دارد که در اسطوره‌های آریایی و مشرق زمین اشاره بر تمایلات و گرایشهای انسانی و دنیوی دارد و شرک و بت پرستی و گرایش به هر چیز دیگری جز خدای رحمان. و در پس لام و یا (lameth) و یا همان یادگیری از پیامبران، ائمه، کتب مقدس بخصوص قرآن مجید و عبرت اندوزی است که انسان به آب نماد پروردگار نیل پیدا می‌کند. این طور به نظر می‌رسد که اولین پیام (الم) اشاره به امر توحید و یکتا پرستی باشد. بنی اسرائیل و نه تنها آنها بلکه اقوام گذشته حتی اعراب در دوره جاهلیت مبتلی به شرک و بت پرستی بودند بایست توبه می‌کردند از پیامبران راه و رسم دین داری و یکتا پرستی و توحید را می‌آموختند تا به آن یگانه آسمانها و زیبایها گرایش یابند. حال ببینیم علاوه بر آنکه (alef) آلف به معنی گاو است معنای دیگری ندارد؟ قابل ذکر است که کلمات زیادی در قرآن کریم با (الف) شروع می‌شوند و

از آن جمله اند (بنی اسرائیل) که البتّه بایست گفت که نعمت هائی که خداوند به آنها ارزانی داشته از آب بودند. گذشتن از دریا با رهبری پیامبر عظیم الشان موسی کلیم الله. زدن عصا توسط حضرت موسی (ع) به سنگی و جوشیدن و بیرون آمدن دوازده چشمه آب و ابرهائی که در مدّت بسر بردنشان در بیابانها به اذن خداوند بر بالای سرشان سایه می انداختند. در آیه ۴۰ از سوره بقره خداوند تبارک و تعالی می فرماید: یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی أنعمت علیکم و أوفوا بعهدی أوف بعهدکم و إیای فرهبون؛ ای بنی اسرائیل یاد آرید از نعمتهایی که به شما عطا کردم وفا کنید به عهد من تا به عهد شما وفا کنم و از شکستن پیمان من بر حذر باشید. در تفسیر این آیه آیت الله مکارم شیرازی می فرماید:

یاد نعمتهای خدا! از آنجا که داستان نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان و خلافت آنها در زمین سپس فراموش کردن پیمان الهی و گرفتار شدن آنها در چنگال رنج و بدبختی شباهت زیادی به داستان آدم دارد، خداوند در این داستان روی سخن را به بنی اسرائیل کرده. ۴۱

شاید که (الم) در این سوره از قرآن اشاره و تذکری بر این قوم باشد، چه بسا که از بی وفایی صحبت نموده اند و اینکه بایست به عهد خویش وفا می کردند و نکردند. بی صبوری پیشه کردند و گول سامری فرستاده شیطان را خوردند و دوباره طبق سنت دیرینه به آپیس روی آوردند. می بایست توبه می کردند و به توحید و یکتاپرستی که رکن اولیه و اساسی دین است بر می گشتند بخصوص دین مبین اسلام. در نزد سومریان (IL) و (EL) خدای خدایان بوده و گفته شد که در اسطوره های کنعانی بیشتر خدایانی که با آفرینش پیوستگی دارند یاد آور آب می باشند. ال (EL) پدر خدایان می بوده و در تورات خدا آفریننده آنهاست، پس (مم) می تواند اشاره ای بر یکتا پرستی، توحید و گرایش به

پروردگار باشد.

الم		
الف + لام + میم		
↓	↓	↓
۱. شرک و بت پرستی	۱. آموختن	۱. الله
۲. تمایلات مادی و نفسانی	۲. توبه	۲. توحید و یکتا پرستی
۳. بنی اسرائیل		

الم = توحید و یکتا پرستی

در نقش بر جسته های کهن همواره میترا و آناهیتا در حال کشتن گاو است. این ذبح گاو اشاره به چه امری دارد؟ این امر رستاخیز و معاد نمی باشد؟!

حال معنای الف و میم را در اوستا مورد مطالعه قرار می دهیم:

« درباره آئین ها و مراسم ایزد- بانو آناهیتا اسنادی در دسترس است که مهمترین آنها کتاب اوستا است. مراسم قربانی کهن ترین مراسمی است که در سروده های آبان یشت برای آناهیتا یاد شده است و یکی از کهن ترین آئین های بشری می باشد که پیوند انسان را با باورهای اسطوره ای خود استوار می بخشد. در باورهای هند و ایرانی قربانی آغازین که پیدایش جهان را از آن می دانستند و اهمیت زیادی داشت و در آن یک انسان، اسب یا گاو قربانی می شد. (در آئین میترا قربانی شدن گاو به رستاخیز طبیعت می انجامید) خون و اعضای آن به رستاخیز طبیعت و پیدایش جانوران، گیاهان، فصلها و جهان مادی می انجامید، قربانی برای هر چیز نوزائی نیروهای مقدس در آن را به همراه داشت». ۴۲ با توجه به این اسناد می توان این گونه اندیشید که (mem) و (alef) نماد معاد و رستاخیز می باشند. و قبلاً گفته شد که (الم) می تواند این رکن اساسی دین (توحید و یکتا پرستی) را در بر داشته باشد، ولی (لام) و یا همان lameth در این میان چه نقشی دارد؟

در ابتدا گفته شد که یکی از معناهای (lameth) یا (لام) بنا بر خط هیروگلیف مصری شیر ماده است. آیا توأمانی کلمات گاو + شیر + آب معنایی را می رساند؟

حمله شیر به گاو و همراهی شیر و میترا (الهه آبها) که در حال کشتن گاوی است به معنای تغییر فصول و پیدایش حیاتی نو و در انتها آفرینش است .

به نظر هیلز حمله شیر به گاو، نمادی از ستیز فصلهاست. او توضیح بیشتری نمی دهد ولی شاید بهتر باشد این صحنه را با پرده های بسیاری که در آئین مهر وجود دارد مقایسه کنیم که در آنها میترا گاوی را می کشد. اتفاقاً در یکی از این پرده ها شیر هم در کنار یکی از همراهان میترا حضور دارد و ناظر صحنه کشتن گاو است. امری که نماد آفرینش است. مرگ گاو حیاتی نو می آفریند و از آنجا که میترا آفریننده ای است که طبیعت را مجدداً می زاید کار او می تواند به مفهوم تغییر فصل باشد. آفریده شدن حیات یا تجدید حیات با مرگ گاو موضوعی شناخته شده در اساطیر ایران است. ۴۳

(الم) الف (گاونر) + لام (شیر ماده) + میم (آب) = معاد، رستاخیز و آفرینش آری قربانی شدن گاو به دست آنهایتا (اله آبها) تذکری است بر وجود رستاخیز و معاد چنانچه در آیه ۷۳ سوره بقره خداوند می فرماید: **فقلنا اضربوه کذلک یحی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون**؛ پس دستور دادیم که پاره ای از اعضاء آن گاو را بر بدن کشته بزنید تا ببینید که این گونه خداوند مردگان را زنده خواهد کرد و قدرت کامله خویش را آشکار خواهد ساخت که قدرتش به اسباب عادی نیاز ندارد و شاید شما به خرد دریابید. این خود حجتی بود بر پندار ما. در تورات نیز به چنین موردی بر خورد می کنیم. ما تا کنون معانی این حروف را از دیدگاه زبان عبری باستان و خط هیروگلیف مصری مورد بررسی قرار دادیم ولی چنانچه گفته شد این حروف به توحید و معاد اشارت دارند و در مبانی آورده شده از اوامری همانند اعمال قربانی به میان آمد و در سوره مذکور (بقره) در آیات بی شماری از این باید و تکلیف الهی صحبت به میان آمده است. آیا این حروف اشاره ای بر این مطلب می توانند داشته باشند؟!

در روز عرفه حاجیان مغرور از نوشیدن باده ای مستانه، مسرور از انجام تکالیف الهی خویش، قربانی را ذبح می کنند بر طبق شیوه ابراهیمی. ولی قبل از قربانی آن موجود علف خوار می بایست به او آب خوراند. آیا این رسم از روی حس حیوان دوستی می باشد؟ و یا اینکه حیوان به هنگام سر نهادن بر دستور ایزدی تشنه نباشد؟! گفته شد که در نقش

برجسته‌های کهن، اله میترا در جوار شیری در حال کشتن گاوی است برای تغییر فصول و بوجود آوردن معاد و روز رستاخیز و باز گفته شد که گاو مظهر و نماد انسان و جهان است و یا به عبارتی تمایلات انسانی و دنیوی و آب سمبل و نماد، آناهیتا خدای خدایان است پس بایست خدا و شیوه‌های الهی غالب گردند، در تورات، سفر خروج، باب ۲۹، آیات ۲-۶ این طور آمده:

قربانی سوختنی به جهت عطر خوشبوی خداوند بگذارید یک گاو جوان و یک قوچ و هفت بره نرینه یکساله بی عیب... و یک بز نر به جهت قربانی تا برای شما کفاره شود. ۴۴

به نظر می‌رسد قربانی دارای سه عنصر اساسی باشد: بخشش، جایگزینی و تقرّب. مفهوم بنیادین دیگر؛ جایگزینی است: یعنی قربانی جانشین قربانی شدن خود فرد یا مرگ او می‌شود. زیرا گناهکار بخاطر گناهکار بودنش سزاوار مردن بوده، اما تورات، فرصت تقدیم قربانی را به او عطا کرده است؛ مشروط بر اینکه در یابید که این قربانی نماد قربانی شدن خود اوست و آنچه بر سر این قربانی آمده می‌بایست بر سر او می‌آمد. ۴۵

و انجیل مقدس می‌فرمایند: [مزد گناه مرگ است. ۳۶] زیرا که [همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کوتاه می‌آیند. ۴۷] هیچ کس پارسا نیست، حتی یک نفر. ۴۸ و ما می‌دانیم که ائمه (ع) و انبیای اوالعزم از جمله حضرت عیسی (ع)، حضرت موسی کلیم الله و حضرت محمد خاتم الانبیا معصوم اند. پس به غیر از این معصومین، همه انسانها دچار گناه گشته‌اند و باید جزای آن را پرداخت کنند ولی خداوند فرصتی دوباره به آنها می‌دهد تا در اعمال حج قربانی کنند که نمادی از کشتن و فنای تمایلات نفسانی و دنیوی است به خون نشانندن گناهان پیشین است و بالاخره ابراز پذیرش امر توحید و یکتا پرستی و تقبل امر معاد و رستاخیز: (الم)

آری (الم) می‌تواند در لایه‌های درونی خود معنای زیبای اعمال حج را در بر داشته باشد. آیات: ۱۵۸، ۱۸۹، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰ مؤید این امر می‌باشند. و
أتموا الحجّ و العمرة لله فان أحصرتم فما استيسر من الهدى ولا تحلقوا رؤوسكم حتى يبلغ الهدى. (بقره، ۱۹۶/۲)

معنای عظیم دیگر «لام» یا همان «lameth» بر طبق خط هیر و گلیف مصری، افق می باشد و در ابتدای این بحث متوجه شدیم که منظور از افق همان قبله است. حال به تفسیر (الم) می پردازیم تا بیشتر بفهمیم که منظور از قبله بین الف و میم چه می باشد؟ چنان که گفته شد (alef) الف نشانگر گاو آپیس است و آپیس سمبل و نماد ننگین برگشت بنی اسرائیل از دیانت خویش و یاد آور خود کلمه بنی اسرائیل و lameth (لام) قبله است و (میم) mem آب، تذکره زیبا و فرخنده (چشمه زمزم)، (مکه معظمه) و بالاخره (مسجد الحرام) می باشد.

الف (alef) + لام (lameth) + میم (mem)



بنابراین اینطور به نظر می رسد که (الم) به تغییر قبله نیز اشاره داشته باشد! سيقول السفها من الناس ما ولهم عن قبلتهم التي كانوا عليها قل لله المشرق والمغرب يهدى من يشأ الى صراط مستقيم (آیه ۱۴۲)؛ مردم سفیه بی خرد خواهند گفت چه موجب آن شد که مسلمین از قبله ای که بر آن بودند (بیت المقدس) روی به کعبه آورند بگو ای پیغمبر مشرق و مغرب خدایراست و هر که خواهد براه راست هدایت فرماید. تا اینجای کار مشخص شد که (الم) به توحید، یکتا پرستی، معاد و تغییر قبله اشاره می کند. ولی آنچه در ظاهر این حروف جلب توجه می کند همانا قرار گرفتن علامت مد (ـ) بر روی لام و میم است؟ براستی چرا الف فاقد آن است؟! اصولاً هر وقت یک قاری با علامت مد بر بالای یک حرف از کلمه ای قرآنی برخورد می کند می بایست آن حرف را کشیده خوانده و تلاوت کند همانند الم. حال سعی می کنیم شکل صوری علامت مد را مورد بررسی قرار دهیم.

آنچه که مشهود است آن است که علامت مدّ از دیدگاه اشکال هندسی همانند علامت ماریچ است .

«دایره بویژه ماریچ شکل اصلی مربوط به زمان است» .^{۴۹} چنانچه دیده می شود این علامت (م)، همانند علامت ماریچ است بر روی لام و میم وجود دارد که می تواند نشانگر زمان و طول مدّت آن باشد . و حال (الف) فاقد آن است پس این علامت مدّ بر روی لام و میم وجود دارند و رسانای زمان هستند . (لام) یادگیری است و بر امر قبله تأکید دارد پس می بایست زمانی جاودانه و مدّت دار باشد و میم نور است و ایمان، زاینده گی، خلاقیت، آفرینش، معاد، رستاخیز و کعبه مقدّس . لام و میم بیشتر مورد توجه بوده اند پس باید کشیده و رساتر تلفظ شوند، ولی الف گاو نشانی بر شرک و بت پرستی، عدم تعهد، بی وفائی، تمایلات دنیوی و انسانی، جهان مادی و اشارت است بر سر کشی های قوم بنی اسرائیل و قبله پیشین مؤمنین . پس مورد توجه نیست، مدّت دار و جاودانه نمی باشد .

الف (alef) + لام (lameth) + میم (mem)

- | | | |
|----------------------------|----------------------|------------------|
| ↓ | ↓ | ↓ |
| ۱ . گاو | ۱ . آموختن، آموزاندن | ۱ . آب (الله) . |
| ۲ . شرک و بت پرستی | ۲ . قبله | ۲ . آفرینش |
| ۳ . تمایلات دنیوی و نفسانی | ۳ . توحید و معاد | ۳ . توحید و معاد |
| ۴ . بیت المقدّس | ۴ . کعبه | |

برای آنکه بتوان تفسیری موجّه و قابل قبول، از این حروف کوچک ولی بسیار بزرگ و عظیم داشته باشیم، باید ظواهر امر را نیز بررسی کنیم و به آیات بعد آنها نظری بیاندازیم . پس از (الم) خداوند از این آیه گفتار به میان آورده اند : **ذلک الكتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین** ؛ این کتاب بی هیچ شک راهنمای پرهیزگاران است .

برای چه الله العظیم از عبارت «الکتاب» بعد از ۲۴ سوره از سوره های مبارکه قرآنی استفاده کرده اند و آنها را بلافاصله پس از حروف مقطعه؟ آیا این حروف نماد و اشاره ای بر

کَلِّ قرآن مجید هستند؟!!

علامه طباطبائی در این باب می فرمایند:

در ۲۴ مورد از آغاز سوره‌هایی که با این حروف شروع شده‌اند، بلافاصله سخن از قرآن و عظمت آن به میان آمده این خود نشان می‌دهد که ارتباطی میان این دو، حروف مقطعه و قرآن موجود است. ۵۰

برای اثبات این امر ما به تفسیر سوره حمد توسل جسته‌ایم. چنانچه مستحضرید از آیه ۱ تا ۳: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ . الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . خداوند از زبان بنده‌شان نام خویش را آغاز نموده‌اند و در آن مبحث خداپرستی و خداشناسی را مطرح کرده‌اند و در آیه چهارم: مالک یوم الدّین، گفتار بر سر روز جزاست یا همان معاد و رستاخیز.

در برابر این سؤال که چرا قرآن با سوره حمد آغاز شده؟ باید گفت: برنامه پیامبر(ص) در درجه اول آشنا کردن مردم با خدا و سپس توجه دادن آنها به قیامت و روز رستاخیز است. این بود دو اصل اساسی برنامه پیغمبر(ص) و این دو قسمت (خداشناسی و معاد) در این سوره آورده شده است.

در آیات قرآن، این سوره با خود قرآن همپایه قرار داده شده آنجا که می‌فرماید: ما سوره حمد و قرآن عظیم را به تو عطا کردیم. (و لقد آتیناک سبعا من المثانی والقرآن العظیم. (حجر، ۱۵/۸۷)

چنانچه خود پیغمبر(ص) به این حقیقت اشاره کرده که: «خداوند سوره حمد را بطور مستقل از عطایای خود قلمداد نموده و آنرا هم ردیف قرآن قرار داده است. ۵۱

و (الم) نیز در خود دو رکن اساسی و اولیه دین را به همراه دارد: ۱. توحید و خداشناسی ۲. معاد و رستاخیز. بنا براین می‌تواند با قرآن هم پایه و هم شأن باشد. و بالاخره بی دلیل نیست که خالق عزیزمان بعد از این حروف از کتاب عظیم خود صحبت به میان آورده است. اما همان طور که گفته شد (الم) نیز در خود معانی خداپرستی و معاد را به همراه دارد و بعد از تمام این حروف مقطعه گفته شد در ۲۴ مورد صحبت از قرآن عظیم به میان آمده همچنان که در آیات ۲۳ الی ۲۴ سوره بقره نیز گفتار بر سر کتاب قرآن است و ناتوانی انسان بر خلق نمونه‌ای از آن (بلکه یک حرف از آن!)، این خود امری موجه بر

ارتباط مستقیم بین این حروف مقطعه و قرآن است و جزء اعجاز عددی قرآن به حساب می آید. حال برای شناخت بهتر الم در سوره فوق به ناچار به حروف ابجد و اعجاز عددی بعضی آیات از همین سوره دست می زنیم چرا که حروف ابجد از مشتقات زبان فنیقی است و زبان عبری به واسطه زبان آرامی از آن می آید.

اعجاز عددی قرآن

۱. قبلاً اشاره شد که در ۲۴ سوره از قرآن مجید بلافاصله بعد از حروف مقطعه گفتار از کلام خدا و عبارت «الکتاب» می آید در آیات ۲۳ و ۲۴ از سوره بقره و سوره آل عمران خداوند از کتاب خود قرآن مجید می گوید:

وإن كنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله و ادعوا شهداءكم من دون الله إن كنتم صادقين . فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فأتقوا النار الّتی وقودها الناس و الحجارة أعدت للكفرین ؛ اگر شما را شکی است در قرآنی که ما به محمد بنده خود فرستادیم پس بیاورید یک سوره به مثل آن و بخوانید گواهان خود را و از بزرگان و فصحا هر که را خواهید به جز خدا اگر راست می گوئید (که این کلام مخلوق است نه وحی خدا). و اگر این کار نکردید و هرگز نتوانید کرد پس (طعن به قرآن مزیند) و بترسید از آتشی که همیش مردم بدکار و سنگهای خارا است که مهیا شده برای کافران (از قهر الهی).

ما می دانیم که قرآن در لیالی قدر بر حضرت محمد نازل شده است ایام ۱۹، ۲۱ یا ۲۳ ماه مبارک رمضان. این عدد ۲۳ با آیه ۲۳ از سوره بقره و مضامین آن جلب توجه می نماید و می دانیم که در ۲۴ سوره از سوره های قرآن مجید بلافاصله بعد از حروف مقطعه حرف از کتاب قرآن است. لیالی قدر در ماه رمضان واقع شده اند و سایر کتب آسمانی نیز با اختلاف ۶ روز در این ماه مبارک نازل گشته اند.

قرآن در این ماه (رمضان) نازل گردیده و در روایات اسلامی نیز چنین آمده است که همه کتابهای آسمانی «تورات»، «انجیل»، «زبور»، «صحف» و «قرآن» همه در این ماه نازل شده اند. امام صادق (ع) می فرمایند: «تورات» در ششم ماه مبارک رمضان، «انجیل» در دوازدهم و «زبور» در هجدهم و قرآن مجید در شب قدر نازل شده است. ۵۲.

در عدد ۲۴ عدد ۶ نهفته است و ما می دانیم که کتاب آسمانی آمده قبل از قرآن مجید تماماً تحریف شده اند و انسان در آن دست برده است و خداوند میعادگاه آنها را آتش جهنم معرفی کرده است و می گوید که آیه ای همانند آیه ای از قرآن مجید بیاورید. از ۲۴ سوره از قرآن بعد از حروف مقطعه عبارت (الکتاب) آمده است و دقیقاً خداوند رحمان در سوره سجده ششمین سوره ای که (الم) را در خود دارد در آیه چهارم می فرماید: **اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلٰى الْعَرْشِ مَالِكُمْ مِنْ دُوْنِهِ مَنْ وَّلٰى وَّ لَا شَفِيعَ اَفَلَا تَتَذَكَّرُوْنَ**؛ خدا آن کسی است که آسمان و زمین و هر چه بین آنهاست همه را در ۶ روز بیافرید آنگاه به خلقت عرش با عظمت پرداخت شما را او یار و یاور و شفیع و مدد کاری نیست.

در اینجا می توان این سؤال را مطرح کرد آیا بین خلقت کتب مقدس و آسمانی و خلقت جهان و کائنات ارتباطی است یا اینکه این کتب تحریف شده به غیر از قرآن مجید همپا و هم شأن جهان و کائنات هستند؟! ما نمی دانیم ولی این امر احتیاج به تحقیق گسترده ای دارد بخصوص آنکه (الم) ۶ بار در قرآن تکرار شده است و در ابتدای ۶ سوره. ولی آیا اعداد ۲۳ و ۲۴ از دیدگاه نجوم معنای خاصی را به ما القاء نمی کنند؟! در روز ۲۳ ماه مبارک رمضان خداوند قرآن را به یک پارچه بر قلب حضرت محمد (ص) نازل کرده اند. ولی آیه ۲۴ چه؟

در ساعت ۲۴ نیم شب به بعد ما وارد بامداد، روز و روشنائی می شویم. حال نگاهی به چرخش وضعی زمین می اندازیم: « حرکت زمین به دور محور شمالی و جنوبی آن مدت این چرخش ۲۳ ساعت و ۵۶ دقیقه و ۴ ثانیه است». ^{۵۳} که دقیقاً این عدد ۳ دقیقه و ۵۶ ثانیه با بامداد فاصله دارد به عبارتی همان عدد ۲۴ است ولی روز و بامداد چه معنایی را القاء می کنند و ارتباط آن با مضامین آیه ۲۴ سوره بقره چیست؟

فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا وَلَنْ تَفْعَلُوْا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِيْ وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ اَعَدَّتْ لِلْكَافِرِيْنَ؛ و اگر این کار نکرديد و هرگز نتوانيد کرد پس (طعن به قرآن مزیند) و بترسید از آتشی که هیزمش مردم بدکار و سنگهای خارا است که مهیا شده برای کافران (از قهر الهی). ولی چه ارتباطی بین روز، بامداد سپیده دم و معاد و رستاخیز می تواند وجود داشته باشد؟!

رویش گیاهان از زمین، تبدیل سیاهی و ظلمت و تیرگی شب به سپیده دمان به مثابه بر خواستن مردگان در روز حشر و عروج ملکوتی آنها به جهان ابَدیت است.

مولوی، انسان را در معرض حوادث و متأثر از احوال دانسته و توارد این احوال را بصورت فصول مختلف فرض کرده است. چنانکه خزان و بهار را نماد احوال گوناگون می‌داند و می‌گوید تغییر فصول (تغییر احوال) دل انسان را مانند خاک پراکنده و سبز می‌کند و سپس این گیاهان در خزان پژمرده می‌شوند و از بین می‌روند و انسان دچار مرگ آئینی می‌شود مولانا از مرگ آئینی به مرگ سیاه تعبیر می‌کند و در پی مردن است که حیاتی جدید آغاز می‌شود. [حتی به عناوین مختلف خداوند رویش گیاهان از زمین مرده و تغییر فصول را نماد و سمبل معاد و رستاخیز و جهان پس از مرگ معرفی می‌کنند] در مرگ آئینی خورشید (نو آموزی که پس از غروب در چشمه آب گرم می‌رود و شبانگاه در زورقی با مردگان همسفر می‌شود و سحرگاه از آب بیرون می‌آید و طلوع می‌کند) نیز شاهد چنین تشریفات آئینی هستیم. ۵۴

پس می‌توان به این نتیجه دست یازید که طلوع آفتاب و سپیده دمان می‌تواند تجلی گر روز معاد و حیات پس از مرگ باشد. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که عدد ۲۴ نمادی از حیات پس از مرگ است که با مضامین آیه فوق کاملاً هماهنگی دارد.

۲. در آیات (۳۰-۳۹) خداوند از آفرینش انسان و فریب خوردن او صحبت به میان می‌آورد. حال نگاهی به عدد ۳۰ از دیدگاه اسطوره‌شناسی می‌اندازیم. عدد ۳۰ در خود عدد ۳ را دارد و «روانکاوان رقم ۳ را علامت جنسی می‌دانند، هم‌چنین رقم ۳ با معنای الهی در اعتقاد مسیحی همراه است: (پدر، مادر، پسر) و باز سه می‌تواند سه مرحله از هستی را مادیت، معنویت، الوهیت را القاء کند». ۵۵ این ثنویت در ظهور سه عنصر (آدم، حوا، ابلیس) و یا (آدم، حوا، پروردگار) در آیات ۳۰ متبلور می‌گردد.

سه، نشان دهنده ترکیب روحانی است و دلالت بر حل شدن تعارضاتی دارد که به سبب ثنویت ایجاد شده است. سه نشانه رشد وحدت است و از این رو به بهشت مربوط می‌شود. ۵۶

و در آیات ۳۰-۳۹ الله از توأمانی (آدم، حوا، شیطان) (آدم، حوا، پروردگار)، دانش

انسان به لطف ایزد منان از اسماء الهی و اغوای آدم توسط شیطان با میانجیگری حوا صحبت می کند و آدم قبل از فریب خوردن حوا در بهشت می زیسته است . این بود داستان گزینش عدد ۳۰ در سوره بقره برای ارسال آیاتی چند بر هبوط آدمی .

۳ . و اما آیات ۴۰ و ۴۷ نام بنی اسرائیل را در بر می گیرند که یاد آور سرکشی این قوم می باشد و یا به عبارتی یاد آور اندیشه پوچ آنها و تحمل آتش دوزخ به مدت ۷ یا ۴۰ روز .
یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التي أنعمت علیکم و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم و ایای فارهبون؛ ای بنی اسرائیل یاد آرید از نعمتهائی که به شما عطا کردم و وفا کنید به عهد من تا به عهد شما وفا کنم و از شکستن پیمان من بر حذر باشید . و در آیه ۸۰ که مضرب (۲ ، ۴۰) می باشد خداوند می فرماید: و قالوا لن تمسنا النار إلا آیاما معدودة قل أتخذتم عند الله عهداً فلن یخلف الله عهدہ أم تقولون علی الله ما لا تعلمون؛ و یهود گفتند که هیچ وقت خدا ما را در آتش عذاب نکند جزء چند روزی معدود (هفت روز یا چهل روز) بگو به آنان آیا بر آنچه دعوی می کنید عهد و پیمانی از خدا گرفته اید که آن عهد مسلم بیاید و هرگز تخلف نکند یا چیزی به خیال خود به خدا نسبت می دهید .

ارتباط بین عدد ۴۰ و این مبانی در آیات ۴۰ و ۸۰ جلب توجه می نماید . در ثانی خداوند در آیه ۴۰ از سفارش بر حفظ عهد و پیمان سخن می گویند و جالب آنست که در مدت ۴۰ روزی که پیامبر بزرگوارشان حضرت موسی (ع) در کوه طور برای دریافت وحی بسر می بردند بنی اسرائیل عهد شکسته و به پرستش آپس پرداختند .

۴ . و اما عدد ۷۱ از تمامی این موارد از جایگاه ویژه ای در نگرش و تفحص برخوردار است . می دانیم که حروف مقطعه چنانکه گفته شد به تعداد ۷۱ می باشد برای ابراز شگفتی آورده شده در قرآن از حروف ابجد استفاده کردیم و آیه ۷۱ از این سوره مبانی (الم) را در خود دارد!

قال الله یقول انها بقرة لا ذلول تثیر الارض و لا تسقى الحرث مسلمة لاشیه فیها قالوا الان جئت بالحق فذبحوها و ما کادوا یفعلون؛ موسی گفت خدا می فرماید آن گاو هم آنقدر رام نباشد که زمین را شیار کند و آب به کشتزار دهد و هم بی عیب و یکرنگ باشد قوم گفتند اکنون حقیقت را روشن ساختی و گاوی بدان اوصاف کشتند لیکن نزدیک بود در این امر باز نافرمانی کنند .

آیا ارتباطی بین این آیه و (الم) وجود دارد؟! بلی. گفته شد که برای جوابگویی به این سؤال از حروف ابجد کمک گرفتیم و حال ببینیم حروف ابجد چیست و چه ماهیتی دارد؟ ما برای پی بردن به راز (الم) در سوره بقره از خطّ عبری باستان، خطّ هیروگلیف مصری استفاده کردیم و باید گفت که تمامی اینها از خطّ آرامی و این نیز از خطّ فنیقی می آید حروف ابجد نیز چنین منشأیی دارد.

هر حرف از حروف الفبای عربی دارای یک ارزش عددی است چرا که این حروف ابجد شیوه‌ای برای مرتب سازی حروف زبان عربی دارد که بر پایه الفبای خطّ فنیقی مرتب شده‌اند. گاهی از این شیوه در شماره گذاری موردها و یا صفحات بکار می رود. حروف ابجد به این شرحند: الف، ب، ج، د، ه، و، ز، ح، ط، ی، ک، ل، م، ن، س، ع، ف، ص، ق، ر، ش، ت، ث، خ، د، ض، ظ، از الفبای ابجد برای متناظر کردن اعداد و واژه‌ها نیز استفاده می شود. به این ترتیب که برای هر حرف واژه ای که بخواهند به عدد تبدیلش کنند.^{۵۷}

و هر یک از این حروف ارزش عددی خاصی دارد که از نقل آن خود داری می کنیم و فقط حروف الف، لام، میم را می آوریم.

«حرف الف برابر با عدد (یک) ۱، لام برابر با عدد (سی) ۳۰ و میم مساوی با (چهل) ۴۰ است.»^{۵۸} جمعاً عدد ۷۱ (هفتاد و یک) را می سازند و آیه ۷۱ از این سوره مبانی الم را در خود دارد و جالب آنست که خداوند در این آیه از کشتن گاوی بی عیب و یکرنگ صحبت به میان می آورند. شاید که این گاو سمبل و نماد گاو آپیس بوده «گاو آپیس دارای شاخهائی از طلا و بدنی سفید و یکرنگ می بوده است».^{۵۹} و گفته شد که الف به معنای گاو است و گاو نماد شرک، بت پرستی، تمایلات مادی و دنیوی است و کشتن آن نمایانگر تو حید و روز رستاخیز است. در آیات ۷۱ و ۷۳ خداوند می فرمایند: قال انه يقول انها بقره لا ذلول تثير الارض و لا تسقى الحرث مسلمة لاشية فيها قالوا الان جئت بالحق فذبحوها و ما كادوا يفعلون؛ مجدداً موسی گفت: خدا می فرماید: گاوی باشد که برای شخم زدن، رام نشده و برای زراعت آبکشی نکند... و از هر عیبی بر کنار باشد... و حتی هیچ گونه رنگ دیگری در آن نباشد...

در اینجا که گویا سؤال دیگری برای مطرح کردن نداشتند «گفتند حالا حق مطلب را

ادا کردی... سپس گاو را با هر زحمتی بود بدست آوردند و آن را سر بریدند ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند. فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيى الله الموتى و يريكم آياته لعلكم تعقلون؛ سپس گفتیم قسمتی از گاو را به مقتول بزنید تا زنده شود و قاتل خود را معرفی کند... آری خداوند این گونه مردگان را زنده می کند... و این گونه آیات خود را به شما نشان می دهد تا تعقل کنید. ۶۰ در آیه ۷۳ خداوند از ارتباط بین کشتن گاو و روز معاد و رستاخیز کلام آورده اند (به احتمال زیاد منظور از توصیه این گاو همان گاو آپیس بوده است که طبق اساطیر مصری کشتن او منجر به صعود او به روز معاد و رستاخیز می گردد. چنانکه از لحاظ ظواهر نیز همانند اوست). و در آیه ۷۱ به خصوص نام بقره آمده است. عدد ۷۱ که از دیدگاه حروف ابجد برابر الم می باشد از بعضی جهات دارای اهمیت زیادی است. به عنوان مثال تعداد حروف مقطعه مشتمل بر عدد ۷۱ می باشند ولی آنچه که بایست به آن توجه بیشتری کرد ابراز اطلاعات امام عصر (عج) به یک جوان یهودی است در باب عدد ۷۱ که گفتن آن خالی از لطف نیست. «در کتاب معجزات و کرامات حکایتی از ملاقات یهودیه خیبری را سید عالم حاج آقا یحیی تهرانی از آقای حاج میرزا ابوالحسنی طالقانی که از اصحاب میرزای بزرگ در سامرا ساکن بودند و تقریباً دوازده سال است که وفات نموده اند نقل کرده است: «یهود خیبری جوانی بود که طی ماجراهایی به دین اسلام مشرف گردید و ملاقاتی با امام عصر داشته که طی آن گفت گوئی میان او و امام صورت می گیرد که امام از او می پرسد تو را چه می شود؟

خیبری می گوید: غریب هستم از یهود خیبر بودم اسلام آوردم با برادرم با هزار زحمت به بغداد آمدم می خواستم احکام اسلام را بیاموزم و طی ماجرائی قاضی شهر مرا (قاضی سنتی بود) چنین جزائی داد و اشاره به خونهای سر و صورت نمود.

امام فرمود: از تو می پرسم یهود در چند فرقه است؟

گفتم: بسیار.

فرمود: ۷۱ فرقه، آیا همه بر حقتند؟

گفتم: نه.

فرمود: نصارا چند فرقه اند؟

- مختلف یا بسیار.

- فرمود: ۷۲ فرقه آیا همه بر حقند؟ گفتم: نه .

- فرمود: ملت اسلام نیز فرقه های مختلف هستند . ۷۳ فرقه ولی فقط یک فرقه بر

حقند... ۶۱

آیا ارتباطی بین این اعداد ۷۱ می باشد؟! این خود سؤالی است که باید بدان جواب داد و فعلاً بر ما معلوم نیست!!!!

گفته شد که تنها در (الم) مسائل ۱ . توحید ۲ . معاد و رستاخیز نهفته است بلکه این حروف اشاره به تغییر قبله را دارند، چنانکه اگر ۷۱ را در ۲ ضرب کنیم عدد ۱۴۲ را می سازد که از این لحاظ همان آیه ۱۴۲ می باشد که به تغییر قبله اشاره دارد! **سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُل لِّلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**؛ مردم سفیه بی خرد خواهند گفت چه موجب آن شد که مسلمین از قبله ای که بر آن بودند (بیت المقدس) روی به کعبه آورند بگو ای پیغمبر مشرق و مغرب خدایراست و هر که خواهد براه راست هدایت فرماید .

بدین گونه می بینیم که ارتباطی تنگاتنگ بین (الم) و عدد ۷۱ با این آیه مضمون آن تغییر قبله است وجود دارد . ارتباطی اعجاز آمیز بین آیات و حتی شماره آیات وجود دارد :

این آیات اگر مورد دقت قرار گیرند، آیتی است زنجیروار منتظم و مرتب بر هم که داستان قبله شدن کعبه برای مسلمین را بیان می کند پس نباید بگفتار بعضی اعتناء کرد که گفته اند : این آیات نا منظم است، آن آیه که جلو تر ذکر شود، عقب تر آمده و آنکه باید عقب تر آید جلو افتاده، و همچنین گفتار بعضی که گفته اند : در این آیات ناسخ و منسوخ است، وای بسا روایاتی هم بر تأکید خود آورده باشند که به آن روایات هم نباید اعتناء کرد چون مخالف به ظاهر آیات است . ۶۲

بدین سان می بینیم که ایرادهای گرفته شده بی اثر و بی مورد بوده اند چه فقط ظواهر امر را دیده اند و از حکمت ایزدی بی خبر بوده اند . تمام این موارد اعجاز قرآند چه بسا از این میان بتوان آیه ۱۴۳ را نیز نام برد .

آیه ۱۴۳ میانی ترین آیه از سوره بقره می باشد آن چنان که اگر ۱۴۳ را در دو ضرب کنیم برابر با شماره ۲۸۶ می باشد (۲ ، ۱۴۳ = ۲۸۶) که آیه پایانی این سوره است ولی مضامین درونی این آیه مایه تعجب است .

و كذلك جعلنكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيدا و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها إلا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه و إن كانت لكبيرة إلا على الذين هدى الله و ما كان الله ليضيع إيمانكم إن الله بالناس لرؤوف رحيم . (بقره، ۱۴۳/۲) کلمه كذلك همچنين در تشبيه چیزی به چیزی بکار می رود و ظاهراً در آیه شریفه می خواهد بفرماید: همانطور که بزودی قبله را برایتان بر می گردانیم تا بسوی صراط مستقیم هدایتان می کنیم . همچنين شما را امتی وسط قرار دادیم . بعضی مفسرین گفته اند: معنایش این است که مثل این جعل عجیب ما شما را امتی وسط قرار دادیم ، لکن معنای خوبی نیست اما اینکه امت وسط چه معنایی دارد؟ و گواهان بر مردم یعنی چه؟ باید دانست که کلمه وسط به معنای چیزیست که میانه دو طرف قرار گرفته باشد نه جزو آن طرف باشد نه جزو این طرف باشد . امت اسلام به مردم یعنی اهل کتاب و مشرکین همین وضع را دارد . برای اینکه یک دسته از مردم یعنی مشرکین تنها جانب مادیت را گرفته جز زندگی دنیا جنبه مادیت خود را و به کمال رساندن لذتها و زخارث و زینت دنیا چیز دیگری نمی خواهند . بعضی دیگر از مردم مانند نصاری تنها جانب روح را تقویت نموده و جز به ترک دنیا و رهبانیت دعوت نمی کنند .^{۶۳} و این میانه روی با آیه ۱۴۳ که میانی ترین آیه سوره بقره است مناسبت دارد . در ثانی آیت الله مکارم شیرازی «امت وسط» را طوری دیگر تفسیر نموده اند که آن نیز در خور توجه است :

امت وسط : در این آیه به قسمتی از فلسفه و اسرار تغییر قبله اشاره شده است . نخست می گوید : « همان گونه (که قبله شما یک قبله میانه است) شما را نیز یک امت میانه قرار دادیم قبله مسلمانان قبله میانه است زیرا مسیحیان برای ایستادن به سوی محل تولد مسیح^(ع) که در بیت المقدس بود ناچار بودند به سمت شرق بایستند . ولی یهود که بیشتر در شامات و بابل و مانند آن به سر می بردند رو بسوی بیت المقدس که برای آنان تقریباً در سمت غرب بود می ایستادند . اما «کعبه» که نسبت به مسلمانان آن روز (مسلمانان مدینه) در سمت جنوب و میان مشرق و مغرب قرار داشت یک خط میانه محسوب می شد .^{۶۴}

بدین سان می بینیم که مضامین آورده شده در خصوص میانگی امت اسلام چه از لحاظ جغرفیائی و چه از لحاظ معنوی و اخلاقی با شماره این آیه (۱۴۳) مطابقت دارد!

ولی در این خصوص آیه دیگری را باید مورد بررسی قرار داد و همانا آیه ۲۱۳ است. این آیه در جایگاه خود ضرب عدد (۲، ۷۱) می باشد و مضامین آن نیز از این بابت مورد شگفتی است! **كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**؛ مردم یک گروه بودند خدا رسولان را فرستاد که نیکو کاران را بشارت دهند (برحمت و غفرانش) و بدان را بترسانند (از عذاب و نیرانش) و ما با پیغمبران کتاب برآستی فرستاد تا تنها دین خدا به عدالت در مورد نزاع و خلاف مردم حکم فرما باشد سپس همان گروه که بر آنان کتاب آسمانی آمد (نه غیر آنها) برای تعدی به حقوق یکدیگر در کتاب حق شبهه و اختلاف افکندند (و اختلاف ایشان به جهت حسد و ظلمی بود که در میان ایشان بود) پس خدا به لطف خود اهل ایمان را از ظلمات شبهات بنور حق هدایت فرمود و این راهنمایی خدا سبب لطف اوست بر بندگان و خداوند هر که را خواهد به راه راست هدایت بنماید.

جالب آنست که آیه ۷۱ از سوره آل عمران نیز بر همین مبنی است! و در باب آیات ۱۴۲ و ۲۱۳ که دو مضر بهای عدد (۷۱) می باشند خداوند از عبارت: **يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ** صحبت کرده اند! جواب این سؤال تا کنون بر ما معلوم نشد که چرا این عنوان پایانی این دو آیه می باشد؟ برای چه پروردگار یکتا در انتهای این دو آیه شریفه از این عبارت استفاده کرده اند؟

از آیات آورده شده که بگذریم به آیه (۲۸۴) می رسیم که آن نیز ضرب (۷۱ × ۴) می باشد و حال نگاهی به مضامین این آیه می اندازیم: **لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تَبَدَّوْا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تَخَفَوْهُ يَحْسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرْ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبْ مَنْ يَشَاءُ** و **اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**؛ آنچه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست و اگر آنچه (از اغراض خیر و شر) در دل دارید آشکارا و یا پنهان کنید همه را خدا در محاسبه شما آورد آنگاه هر که را خواهد ببخشد و هر که را خواهد عذاب کند و خداوند بر همه چیز تواناست. خداوند در این آیه از خود و توانائی خویش صحبت کرده اند و حال کمی در مورد عدد چهار صحبت می کنیم که بینیم در اسطوره شناسی بر چه مبنائی است. «چهار یکی

از کاملترین ارقام است، چهار رقم هوش است و تعداد حروف الله . چهار به معنای رقم کامل الهی و در معنایی وسیع تر رقمی است از تکمیل «تجلی و نمادی است از دنیای مستقر و سازمان یافته»^{۶۵} و در چهارمین مضرب (۷۱) آیه ۲۸۴ خداوند از خود و مالکیتشان بر این کره خاکی و اسماً آسمانی صحبت می کنند . و تمامی این موارد جایگاه مناسب و ریزی در (الم) دارند :

۱ . توحید و خداشناسی

۲ . معاد و رستاخیز

۳ . تغییر قبله

۴ . اعمال حج

در واقع با همین حروف بظاهر کوچک خداوند اهداف اولیه از نزول قرآن مجید را از چشم و ابصار مادی پنهان داشته اند . این حروف از دیدگاه اعداد همانند اعجازی غیر قابل باورند آن چنان که رشاد خلیفه گفت : تکرار حروف مقطعه در سوره مربوطه ، بیش از تکرار حروف است و نیز معدل تکرار این حروف نسبت به مجموع حروف سوره خاص ، بیش از معدل تکرار این حروف در سوره دیگر است . هم چنین در هر یک از ۲۹ سوره ای که در افتتاح آن حروف مقطعه آمده است مجموع آن حروف یا حروف در آن سوره دقیقاً و بدون استثناء مضرب ۱۹ می باشد .^{۶۶} و این نکته نیز جالب می نماید که بسم الله الرحمن الرحیم بر ۱۹ عدد است ! آیا می توان به این نتیجه رسید که این حروف اشاره به اسم اقدس پروردگار دارند و تجلی گر اویند چنانکه بعد از این حروف مقطعه در ۲۴ سوره از نام با شکوه کتاب قرآن صحبت شده است . جناب علامه طبرسی در مجمع البیان می فرماید : «این حروف اسم اعظم هستند .^{۶۷}

به عنوان حسن ختام باید گفت که (الم) در سوره بقره به ۴ عنصر اصلی دین مبین اسلام اشاره دارند :

۱ . توحید

۲ . معاد و رستاخیز

۳ . اعمال حج

۴ . تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه

در این باره از الهه‌های مصر و تأثیر آنها بر عبریان بر شرک و بت پرستی و بی وفائی آنها به دعوت پروردگارشان صحبت کردیم آن گاوی که عبریان بعد از دعوت مولایشان، پیامبرشان دو باره به آن روی آوردند آپیس یا آپیس بود. در اوستا در این باب پروردگار می گویند: « روان گاو (= گوشورون) به شما گله کرد: از بهر که مرا سرشتید؟ کی مرا آفرید؟ خشم و ستم و تنگی و زور مرا به بند کشیده است جز شما مرا شبان دیگری نیست پس همراه با شبان نیک خود را به من بنمائید. (اوستا، اهنودگات: یسنای ۲۹، بند ۱) ۶۸. در قرآن این گونه آمده است: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (بلد، ۹۰/۴)؛ که به تحقیق آفریدیم انسان را در رنج و این بود ناله انسان از زور و جور زمانه.

منظور از گئوش اوروان همان جهان است. ۶۹ در قدما اعتقاد بر این بود که کره زمین بر روی دو شاخ گاو تر قرار دارد و اما منظور از این گاو می تواند به کل انسان نیز باشد. در تاریخی نزدیک به چهار هزار سال پیش در زیر آسمان نیلگون سرزمینی که سپس ایران خوانده شد رویداد شگفتی روی داد این رویداد بزرگ چه بود؟ گاوی می غرد. آیا برآستی این گاوی از گاوها بود که در چند هزار سال پیش در سرزمین ما غریدن گرفت. این گاو نبود که از گزند و زخمی که بدو رسیده بود غرید، بلکه این انسان بود که خروشید. ۷۰

در گذشتگان برای جبران گناه و کفاره آن انسان، طیور و یا حیوانات را می کشتند تا اینکه خدا به آدمی فرصتی داد، جانشینی بجای انسان گماشت این کشتار حیوانات طبق اساطیر ایران زمین و مصر منجر به رستاخیز و معاد می گشت و در اساطیر مصر به شکل و نمودی از گاو آپیس و یا آپیس تجلی می نمود که گاوی یکرنگ بوده و در اسطوره‌های ایران زمین طبق آئین مهر میترا که بعدها آناهیتا در سرزمین‌های مشرق زمین جایگزین آن شد و تا مغرب گسترش یافت با همراهی شیر به کشتن گاو می پرداخت تا منجر به تغییر فصول و آفرینش و رستاخیز گردد. طبق اساطیر مصر کشته شدن گاو آپیس منجر به پیوستن روح او به اوزیریس خدای خدایان می شده که خود نمادی از پیدایش معاد و رستاخیز است و گاو آپیس نر می بوده.

ولیکن طبق این اساطیر مصر گاو ماده همچنان که گفته شد بر تمایلات و تمناهای نفسانی و دنیوی اشاره دارد. در اوستا این گونه آمده است:

این از تو می پرسم ،
 به راستی بگو با من ای اهورا ،
 راست است اگر آنچه اینک باز خواهم گفت
 با کردارهایش
 پارسائی راستی را استوار می دارد
 همو با منش به شهریاری ترا نوید می دهد ،
 از بهر که گاو آبستِ کام بخش را آفریدی؟^{۷۱}
 بایست گفت که گاو آبست همان گاو مادر است .^{۷۲}

دومین سوره در قرآن بنام (بقره) گاو ماده می باشد . در آیه ۷۱ پروردگار از زبان موسی (ع) به بنی اسرائیلیان خطاب می فرماید : که گاوی یکرنگ را بکشند که به احتمال قوی همان گاو آپس بوده که عبریان در طول مدت غیبت پیامبرشان طبق عادت دیرینه به پرستش او مشغول شدند و در آیه ۷۳ خداوند می فرماید تکه ای از گوشت آنرا بر مقتول مجهول الهویه بزنند تا بر پا خیزد و قاتل خود را معرفی کند و این نیز بیانگر معاد و رستاخیز می باشد . در تورات این گونه ایزدمان می فرمایند : «اگر در زمینی که یهوه ، خدایت برای تصرفش به تو می دهد مقتولی در صحرا افتاده پیدا شود و معلوم نباشد که قاتل او کیست آنگاه مشایخ و داوران تو بیرون آمده مسافت شهرهائی را که در اطراف مقتول است پیمائید و اما شهری که نزدیک تر به مقتول است مشایخ آن شهر گوساله را که با آن خیش نزده و یوغ به آن نبسته اند بگیرند و مشایخ آن شهر آن گوساله را در وادی که آب در آن همیشه جاری باشد و در آن خیش نزده و شخم نکرده باشند فرود آورند و آنجا در آن وادی گردن گوساله بشکنند .» این حکایت آسمانی از بعضی جهات به آیات ۷۱ و ۷۳ سوره بقره شباهت دارند . باید گفت که علاوه بر این آیات (۷۱ و ۷۳) آیات ۲۵۹ و ۲۶۰ نیز یاد آور معاد و رستاخیز در سوره یاد شده می باشند :

و إذ قال إبراهيم رب أرنى كيف تحى الموتى قال أولم تؤمن قال بلى ولكن لیطمئن قلبى قال فخذ أربعة من الطیر فصرهن الیک ثم اجعل علی کل جبلٍ منهنّ جزءاً ثم ادعهنّ یتأینک سعیا و اعلم أنّ الله عزیز حکیم؛ و چون گفت ابراهیم بار پروردگارا به من بنما چگونه مردگان را زنده خواهی کرد خداوند فرمود باور نداری گفت آری باور دارم لیکن خواهم تا

بمشاهده آن دلم آرام گیرد خداوند فرمود چهار مرغ بر گیر و گوشت آنها بهم در آمیز نزد خود آنگاه هر قسمتی بر سر کوهی بگذار سپس آن مرغان را بخوان تا سوی تو شتابان پرواز کنند و آنگاه بدان که بر همه چیز توانا و به حقایق امور عالم دانا است. ۷۳

این فرامین الهی ما را بیاد اساطیر مصر و کهن آئین های مهر ایران باستان می اندازد. درسوره بقره چنانکه مشاهده شده از امور رستاخیز و معاد و بسیار به این گونه صحبت شد و اولین آیه این سوره «الم» می باشد که در جایگاه گفته شد که هر یک از حروف آن بر طبق زبان عبری باستان و خط هیروگلیف مصری معنایی دارد.

الف (alef) + لام (lameth) + میم (mem) (mem)

- | | | |
|------------------|---------------------|--------------|
| ↓ | ↓ | ↓ |
| ۱. گاوانر | ۱. آموختن، آموزاندن | ۱. آب (الله) |
| ۲. شرک، بت پرستی | ۲. شیر ماده | ۲. توحید |
| ۳. بیت المقدس | ۳. افق (قبله) | ۳. معاد |
| | | ۴. مکه مکرمه |

بنابراین نتایج زیر از بررسی الم حاصل شد: توحید، معاد، قبله و تغییر آن از بیت المقدس به کعبه و اعمال حج چنانچه آیت الله مکارم شیرازی در برگزیده تفسیر نمونه می فرمایند: «جامعیت این سوره از نظر اصول اعتقادی و بسیاری از مسائل علمی، عبادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قابل انکار نیست چه اینکه در این سوره ۱. بحثهای پیرامون توحید و خدا شناسی مخصوصاً از طریق مطالعه اسرار آفرینش آمده است. ۲. بحثهایی در زمینه معاد و زندگی پس از مرگ، مخصوصاً مثالهایی حسنی آن مانند داستان ابراهیم و زنده شدن مرغها و داستان عزیز ۳. بحثهایی در زمینه اعجاز قرآن و اهمیت این کتاب آسمانی. ۴. بحثهایی در زمینه احکام مختلف اسلامی از جمله نماز، روزه، جهاد و حج و تغییر قبله صحبت می شود... و تمامی این موارد در «الم» نهفته است! در دو جا خداوند در سوره بقره استفاده کرده که این کلمه بخصوص در آیه ۷۱

در خور توجه است. گفتنی است که (الم) از زوایای متفاوتی مورد بررسی قرار گرفت. از دیدگاه حروف ابجد برابر با عدد ۷۱ است و آیه ۷۱ هم نام این سوره را در خود همانند گنجینه ای در بر گرفته (بقره) وهم از گاو آپیس و دستور خداوند تبارک و تعالی بر کشتار او که نشان دهنده امر توحید می باشد و همچنین متعاقب آن آیه ۷۳ که دنباله آیه ۷۱ است و بر اوامر معاد و رستاخیز تأکید می ورزند. و بدین گونه می توانیم وارد مباحث ارزش عددی و حروف ابجد در این سوره شویم. در این بادیه اعداد ۲۳ و ۲۴ یعنی آیات ۲۳ و ۲۴ جالب می نمایند چرا که در این دو آیه گفتار از کتاب مقدس قرآن است و عدد ۲۳ یاد آور لیالی قدر می باشد و در ۲۴ سوره از قرآن که دارای حروف مقطعه هستند بلافاصله بعد از این حروف گفتار از قرآن مجید است. آیه ۴۰ گفتار از سرکشی و طغیان عبریان است که عهد شکستند و در طول ۴۰ روز که پیامبرشان به کوه طور برای دریافت وحی و فرامین الهی بی وفائی کرده و به موهومات و عقاید سست و خرافی گونه سابق خود برگشتند. بدین سان آیات قرآن دارای ارزش عددی خاصی هستند و از آن جمله اند آیات ۱۴۲، ۲۱۳ و ۲۸۴ که همه از مضارب ۷۱ هستند و به ترتیب به امر تغییر قبله، اهل کتاب و تخلف از امانت داری آنها در کتب مقدس است و بالاخره آیه ۲۸۴ که به خداوند می پردازد و همه اینها در مضارب و ارزش عددی حروف الفبائی که ما به آن می نگاریم و مکاتبه می کنیم نهفته اند و بخصوص ما در این زمینه از زبان عبری باستان که خط و گویش مسیحیان و یهودیان مملکت ما می باشد به اوامر ایزدمان در سوره بقره پی بردیم. قابل ذکر است که نکاتی چند در این مقاله اضافه یا تصحیح شده است. پس ای عزیزانی که ایران زمین، خاک و سر زمین دلیر مردان به یمن جانفشانی و محبتهای بی دریغ شما کماکان استقلال و سر بلندی خود را حفظ کرده است و نه تنها ایران بلکه تمام دنیا چرا به این کلام الهی ایمان نمی آورید؟! این قرآن از همان خط و الفبای شماست: و امنوا بما أنزلت مصدقا لما معکم (بقره، ۴۱/۲)؛ و ایمان آورید به قرآن که فرستادم در حالتی که آن قرآن توراۀ شما را تصدیق می کند. این قرآن همان توراۀ شماست با خط و حروف الفبای شما زیباترین گنجینه دنیا را در خود پنهان کرده پس چگونه باورش نمی دارید!!

۱. نهج البلاغه، ترجمه محسن فارسی / امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۰.
۲. علامه طباطبائی، حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، ۱۸/۱۹۴، چاپ گلشن، قم، ۱۳۶۶.
۳. همان/ ۸.
۴. همان.
۵. همان.
۶. رفسنجانی، سید هاشم، تفسیر راهنما، ج اول، قم.
۷. شیخ طبرسی، مجمع البیان، ۳۳/۱.
۸. المیزان، ۱۲/۱۸.
۹. الجامع احکام القرآن، ۱/۱۵۵.
۱۰. المیزان، ۸/۱۸.
۱۱. تاریخ قرآن/ ۹۴.
۱۲. مجمع البیان، ۳۲/۱.
۱۳. سیوطی، الاتقان، ج ۲/ ۱۲.
۱۴. جامع البیان، ۸۷/۱.
۱۵. البرهان، ۱/۱۶۹.
۱۶. جامع البیان، ۹۴/۱.
۱۷. الاتقان، ۱۰/۲.
۱۸. اسلام در ایران، پطروشفسکی/ ۱۱۸-۱۲۱.
۱۹. المیزان، ۸/۱۸.
۲۰. همان.
۲۱. همان.
۲۲. فریدریش، یوهانس، تاریخ خطهای جهان، ترجمه: فیروز کوهی/ ۸۹-۹۰، نشر دیا، تهران، ۱۳۶۸.
۲۳. همان/ ۲۷۸.
۲۴. حمیم، سلیمان، فرهنگ عبری - فارسی، انتشارات انجمن کلمیبیان تهران، تهران، ۱۳۶۲.
۲۵. تاریخ خطهای جهان/ ۲۷۸.
۲۶. همان.
۲۷. ایونس، ورونیکا، اساطیر مصر، ترجمه: باجلان فرخی/ ۱۹۴، اساطیر، تهران، ۱۳۷۵.
۲۸. هنری هوک، ساموئل، اساطیر خاور میانه، مترجمان: علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزدا پور/ ۹۲، روشنگران، تهران.
۲۹. دکتر وحیدی، حسین، شناخت زرتشت/ ۱۶۰-۱۶۲، نشر علمی، تهران، ۱۳۸۲.
۳۰. همان/ ۸۹.
۳۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد ۴۱.

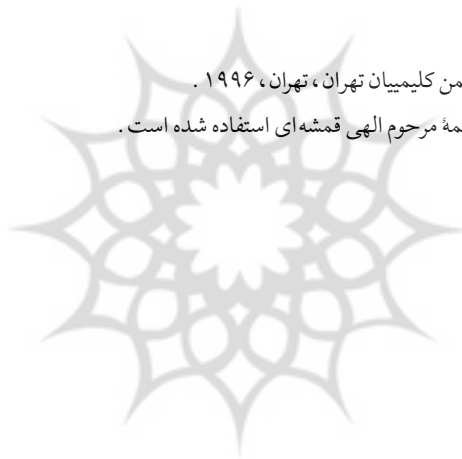


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پایان بنام مؤسسه عالی

32. Aryan pours, Abbas & Manouchehr Collegiate Dictionary English- Persian, Amir Kabir, Tehran, 1991, p.1027

۳۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا.
۳۴. المیزان، ۱۸/۱۹۴.
۳۵. تاریخ خط‌های جهان/۲۷۸.
۳۶. دکتر مظفری، علی رضا، «فرضیه ای در باب همانندیهای آناهیتا و معشوق شاعران ایرانی»، مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی ایران‌شناسی، ۲/۱، تهران، ایران.
۳۷. آلن، تونی، سرور دانای آسمانها، ترجمه: گروهی از مترجمان/۹۰، نشر نی، تهران، ۱۳۸۴.
۳۸. فرضیه ای در باب همانندیهای آناهیتا و معشوق شاعران ایرانی/۲.
۳۹. شیخ‌وند، فرهاد، آناهیتا در باورهای ایران باستان/۴۲-۴۳، حروفیه، تهران، ۱۳۸۲.
۴۰. پارسایار، محمد رضا، فرهنگ مؤثر فرانسه- فارسی، فرهنگ مؤثر، تهران، ۲۰۰۵.
۴۱. آیت الله مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه، ۱/۶۷، دارالکتاب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۶.
۴۲. مؤذن جامی، محمد مهدی، ادب پهلوانی/۱۲۶، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۹.
۴۳. همان.
۴۴. تورات، سفر خروج، باب ۲: ۲۹، آیات ۲، ۵-۶. Isbn: ABS- 1973-4M-GB.
۴۵. اشتاین سانر، آدین، سیری در تلمود، ترجمه: باقر طالبی دارابی/۲۵۲، مرکز مطالعات و ادیان و مذاهب، تهران، ۱۳۸۳.
۴۶. انجیل عیسی مسیح، رومیان (۲۳: ۳)/۴۰۷، انتشارات ایلام، تهران، ۲۰۰۵.
۴۷. همان/۴۰۶.
۴۸. همان/۴۱۳.
۴۹. امامی، صابر، اساطیر در متون تفسیری فارسی/۱۵۲-۱۵۳، گنجینه فرهنگ، تهران، ۱۳۶۰.
۵۰. المیزان، ۳۸/۱.
۵۱. تفسیر نمونه، ۳۸/۱.
۵۲. همان.
۵۳. www.google.com، زمین، ویکی‌پدیا،
۵۴. زمردی، حمیرا، مقاله: رستاخیز، آئین نباتات و رستنی‌ها، سریر سخن، مجموعه پژوهش‌های دومین همایش پژوهش‌های ادبی/۱۵۳-۱۵۴.
۵۵. اساطیر در متون تفسیری فارسی/۱۵۳.
۵۶. همان.
۵۷. www.google.com، حروف ابجد، ص ۱، ویکی‌پدیا، مقاله: حروف ابجد.
۵۸. مقدم، سید محمد تقی، ختم و اذکار/۳۸۰.
۵۹. سرور دانای آسمانها/۶۰.

۶۰. برگزیده تفسیر نمونه، ۸۸/۱.
۶۱. رفیعی، سید جعفر، ملاقات با امام عصر/ ۲۹۱-۳۰۱.
۶۲. المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، ۱۸۹/۱۸.
۶۳. همان/ ۱۳۰.
۶۴. برگزیده تفسیر نمونه، ۱۳۰/۱.
۶۵. اساطیر در متون تفسیری فارسی، -/ ۱۵۳.
۶۶. www.google.com، حروف مقطعه قرآن، رمز گشائی حروف مقطعه از دیدگاه ضرب اعداد (رشاد خلیفه).
۶۷. مجمع البیان، ۳۳/۱.
۶۸. عربشاهی، مسعود، اوستا از دیدگاه هنر نو، فرهنگسرای نیاوران،
۶۹. دکتر وحیدی، حسین، شناخت زرتشت/ ۱۶۰-۱۶۲، نشر علمی، تهران، ۱۳۸۲.
۷۰. همان.
۷۱. اوستا از دیدگاه هنر نو.
۷۲. تورا، سفر تشبیه، فصل ۲۱، انجمن کلیمیان تهران، تهران، ۱۹۹۶.
۷۳. در ترجمه های آیات قرآن، از ترجمه مرحوم الهی قمشه ای استفاده شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی